

معرفی ۲ گروه از مؤمنان واقعی!

جزء دهم قرآن کریم که از آیه ۴۱ سوره انفال آغاز و به آیه ۹۲ سوره توبه ختم می شود ، در بردارنده آموزه ها و پیام های روح افزای الهی است که این نوشته تعدادی از آنها را نقل می کند.



آیه خمس

آیه ۴۱ سوره انفال آیه ای است که پرداخت خمس را بر مکلفین واجب می کند .

در آغاز آیه می فرماید: بدانید هر گونه غنیمتی نصیب شما می شود يك پنجم آن، از آن خدا و پیامبر و ذی القربی (امامان اهل بیت) و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از خاندان پیامبر) می باشد (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ).

و بعد برای تاکید اضافه می کند: که اگر شما به خدا و آنچه بر بنده خود نازل کردیم ، ایمان آورده اید باید به این دستور عمل کنید و در برابر آن تسلیم باشید (إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا).

از این تعبیر روشن می شود مؤمن کامل کسی است که در برابر همه دستورات ، مخصوصاً دستورات مالی تسلیم باشد و تبعیضی در میان برنامه های الهی قائل نگردد. [۱]

یکی از روایان به نام سماعه از امام کاظم علیه السلام درباره خمس سوال می کند که خمس به چه چیزهایی تعلق می گیرد؟

امام علیه السلام در پاسخ می فرماید: فِي كُلِّ مَا أَفَادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ [۲] ؛ هر منفعتی که افراد به دست می آورند چه کم باشد؛ چه زیاد یک پنجم آن برای صاحبان خمس است . منتهی پرداخت آن بر اساس دیگر روایات تا یکسال می تواند به تعویق بیفتد (بنا به نظر برخی مراجع تقلید، سالی یکبار) که اگر چیزی از آن باقی ماند پرداخت شود. [۳]

تغییر نعمت به دست کیست؟

آیه ۵۳ نعمتی که در دست مردم است را داده خدا دانسته (نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ)؛ اما تغییر آن به کاستی، تبدیل به نعمت و مانند آن را به دست مردم می داند؛ همان مردمی که این نعمت را در اختیارشان بود (يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ).

علامه طباطبایی (ره) از این آیه شریفه، قاعده ای برای نزول نعمت و سلب آن و یا تبدیلهش به نعمت و عذاب به دست آورده که خلاصه اش این است :

فرود نعمت بر انسانها بستگی به زمینه روحی و نفسانی آنها دارد. اگر این استعداد و زمینه، مناسب نزول نعمت بود، نعمت بر آنها نازل می شود و اگر تغییر کرد و آن زمینه، تبدیل به زمینه نزول عذاب شد؛ آن نعمت رخت بوبسته و عذاب و نعمت جایگزین آن می شود [۴].

هرگاه طرف مقابل و هم پیمان شما عهد نامه را پاره کرد و مفاد آن را زیر پا گذاشت (إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ) و شروع به مذمت آئین شما و تبلیغات سوء کرد (طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ) ؛ شما با پیشوایان این گروه کافر بیکار کنید (فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ)

بنابر این نعمتی را که خداوند متعال روزیمان کرده است تا وقتی در دست ماست که لیاقت آن را داشته باشیم؛ اما اگر با دست خود، آن لیاقت را تغییر داده و نسبت به آن نعمت، بی لیاقت شدیم؛ نعمت می رود و عذابی که اکنون لایق آن شده ایم ، جایگزین آن می شود.

بدترین ها نزد خدا

آیه ۵۵، بدترین و بی ارزش ترین موجودات زنده این جهان را معرفی کرده می فرماید: بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که راه کفر پیش گرفتند و هم چنان به آن ادامه می دهند و به هیچ وجه ایمان نمی آورند (إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ).

در آیه بعد قدری بیشتر درباره آنها توضیح داده و یک ویژگی بارز آنها را بیان می کند که آن عهدشکنی و پایبند نبودن به هیچ عهد و پیمانی است (يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ). اینها کسانی اند که نه از خدا شرم دارند و نه از مخالفت فرمان او پرهیز می کنند و نه از زیر پا گذاردن اصول انسانی پروا می نمایند (وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ).

هر چند این آیات درباره یهودیان مدینه در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده و پرده از ماهیت پلید آنها بر می دارد [۵]؛ اما این به معنای حصر این معنا در آنها نیست؛ بلکه بیان قاعده و قانون کلی است برای هر کس که رفتاری اینگونه دارد تا بداند و دیگران بشناسند که چنین کسی بدترین خلائق نزد خداوند است.



حد توان نظامی در قرآن

به دستور آیه ۶۰، توان نظامی مسلم‌انان در جامعه اسلامی باید به حدی باشد که دشمن و هر کس که خیال دست اندازی به حیطه نظام اسلامی را دارد به هراس اندازد

(تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ) و نتواند حتی خیال تهاجم به آب و خاک نظام اسلامی را هم در سر بپروراند .

از این آیه استفاده می شود که نظام اسلامی باید به آخرین و پیشرفته ترین سلاح ها و تجهیزات نظامی و دفاعی مجهز باشد تا آنکه بتواند آن ترسی را که آیه می فرماید در دل دشمنانش ایجاد کند؛ هر چند داشتن این سلاح ها لزوماً به معنای به کارگیری آنها نیست. یعنی می توان گفت: داشتن از هر نوع ، ولی استفاده تنها از تسلیحاتی که با قوانین نبرد در اسلام سازگار است.

دو گروه از مومنان واقعی

آیه ۷۴ به بیان دو گروه از مومنان واقعی می پردازد:

گروه اول کسانی اند که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ).

گروه دوم کسانی اند که گروه اول را پناه دادند و یاری کردند (وَالَّذِينَ آوَأُ وَتَصَرَّوْا).

هر چند این آیه درباره مهاجرین و انصار در صدر اسلام است؛ اما روشن است که این آیه نیز مانند اکثر آیات قرآن کریم پیامی جامع و کلی دارد که با بیان نمونه، در پی تعلیم و تعمیم آن در جامعه اسلامی و تمام دورانهاست.

نظام اسلامی باید به آخرین و پیشرفته ترین سلاحها و تجهیزات نظامی و دفاعی مجهز باشد تا آن بتواند آن ترسی را که آیه می فرماید در دل دشمنانش ایجاد کند؛ هر چند داشتن این سلاحها لزوماً به معنای به کارگیری آنها نیست

وفاداری بر سر پیمان تا به کی؟

آیه ۷ سوره مبارکه توبه به قانونی درباره سرآمدی زمان وفاداری به عهد و پیمان اشاره دارد. در این قانون آمده است که شما تا زمانی بر سر پیمان بمانید که طرف مقابل هم بر سر پیمان ایستاده (فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ) و این وفاداری به عهد و قرارداد از لوازم تقوای دینی است به همین جهت علت دستور بالا را چنین بیان می کند: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ [۶] ، اما اگر طرف مقابل پیمان شکست و تعهداتی که دوطرف موظف به رعایت آن بودند را نادیده گرفت ، شما هم تمام آنچه موظف به رعایت آن بودید را نادیده بگیرید.

جایی که ایمان ملاک است نه پیمان

ایمان یعنی عهد و پیمان و معنای ایمان هم روشن است. آیه ۱۲ درباره عهد شکنی کسانی است که با مسلمانان عهد و پیمان دارند که می فرماید: هرگاه طرف مقابل و هم پیمان شما عهد نامه را پاره کرد و مفاد آن را زیر پا گذاشت (وَإِنْ تَكُونُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ) و شروع به مذمت آئین شما و تبلیغات سوء کرد (وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ) ؛ شما با پیشوایان این گروه کافر بپیکار کنید (فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ).

بعد بلافاصله دلیل این نبرد و بپیکار را بیان کرده می فرماید: چون عهد و پیمان برای آنها کمترین ارزشی ندارد. (إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ) درست است که آنها با شما پیمان ترک مخاصمه بسته اند، ولی این پیمان با نقض شدن مکرر و آمادگی برای نقض در آینده اصلا ارزش و اعتباری جدی نخواهد داشت.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر نمونه ۱۷۲/۷

۲. کافی ۱/۵۴۵/حدیث ۱۱

« ۳. خمس» دارای احکام خاص خود است که در کتابهای فقهی مراجع معظم تقلید به شکل مفصل توضیح داده شده است.

۴. ر.ک به المیزان فی تفسیر القرآن ۱۰۱/۹

۵. همان، ص ۱۱۱

۶. المیزان فی تفسیر القرآن ۱۵۷/۹